

## مراقب دام حواله فروش خودرو باشید

سرهنگ محمد شریفی / رئیس اداره فرهنگی اجتماعی پلیس آگاهی فراجا:

چندی قبل، کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری، افراد شیادی که توانسته بودند از ۱۰۰ شهروند حدود ۱۰۰ میلیارد ریال با ترفند واگذاری حواله فروش خودرو اخاذی کنند، دستگیر و تحویل مراجع قضایی دادند. متهمان برای اجرای نقشه خود اقدام به تبلیغات گسترده در سایت های تبلیغاتی خرید و فروش و اینستاگرام در خصوص واگذاری حواله فروش خودرو کرده بودند. این کلاهبرداران در ملاقات های حضوری با وعده های دروغین مبنی بر تحویل خودرو با قیمت مناسب، اعتماد شهروندان را جلب و ضمن

تنظیم قرارداد از آنان مبالغ زیادی به عنوان پیش پرداخت دریافت می کردند و سپس متواری می شدند. شهروندان باید توجه داشتند که در آگهی در سایت های فروشگاهی مجازی و شبکه های اجتماعی از سوی شرکت یا افراد، دلیلی بر صحت و درستی مطالب عنوان شده و تأیید آن از سوی مراجع رسمی نیست. اسامی شرکت های مجاز در سایت بانک مرکزی به نشانی [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir) موجود است و پیش از پرداخت هرگونه وجهی از مجوزدار بودن آن شرکت از سوی بانک مرکزی اطمینان حاصل کنید. شهروندان در صورت مشاهده موارد مشکوک در خصوص واگذاری حواله فروش خودرو با قیمت پایین از طریق سایت و شبکه های مجازی، مراتب را در اسرع وقت به پلیس ۱۱۰ اعلام کنند.



## جنایت سیاه پای کوه

راز قتل پسر ۱۲ ساله که قربانی نیت شوم دو پسر جوان

شده بود، خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی

است که این هفته برای ما روایت کرده است

یک قتل بدون  
برنامه ریزی  
دارد و بازپرس  
هم نظم  
را تأیید کرد و  
در صحنه قتل  
دستور ویژه داد تا تمام شهرستان با  
من همکاری کند که راز این جنایت کشف  
شود. تصویر لبخند بر لب امیرمحمد در صحنه  
جنایت بر روح آدم چنگ می انداخت. در مسیر  
حدود دو کیلومتری کوچه تا محل کشف جسد،  
تصویر کودک را به اهالی محل نشان دادم که  
هیچ یک در روز قتل پسر بچه را ندیده بودند. دو روز از  
کشف جسد می گذشت و هیچ سرخشی نداشتیم. رئیس  
پلیس فشار می آورد که اوضاع و جو شهر خوب نیست  
و زودتر پرونده را کشف کنید تا اوضاع کمی آرام شود.

در اداره مشغول بررسی فرضیه های قتل بودم که مردی  
وارد اداره شد و گفت جناب سروان خبر مهمی برای تان دارم. او  
خودش را پدر همبازی امیرمحمد معرفی کرد و گفت: امروز پسر من به  
من گفت امیرمحمد را به همراه دو شاگرد شیشه بری سرکوچه در حال رفتن  
به سمت کوه دیده است.

سریع مرد شیشه بر احضار و در مورد شاگردهایش سوال کردم که ادا کرد  
چند روز مرخصی گرفته اند. با کمک مرد شیشه بر هادی و مهدی دو شاگرد  
۱۸ ساله اش دستگیر شدند.

با استفاده از ابتدایی ترین تکنیک های بازجویی دو مظنون از راز جنایت تکان  
دهنده پرده برداشتند. متهمان اعتراف کردند چهارشنبه عصر امیرمحمد تنها  
در کوچه پرسه می زد که ما با نیت شوم تعرض به وی و با پنهان پیدا کردن  
گنج پسر بچه را به پای کوه کشانیدیم. به زور تعرض کردیم که  
پسرک گریه می کرد. بعد از اتمام کارمان امیرمحمد گفت  
«ما چرا را به پدرم خواهیم گفت» ما هم ترسیدیم.  
هادی، امیرمحمد را به زمین زد و با چاقویی که  
به همراه داشت سعی کرد سرش را ببرد؛ اما  
چاقو کند بود و فقط گلویش را تا نصفه برید.  
با سنگی که آنجا بود، چند ضربه محکم به  
سرش زدیم. بعد هم جسد را همان جا رها  
کرده و فرار کردیم.

از این که قاتلان این جنایت هولناک را در  
کمتر از یک هفته شناسایی و دستگیر کردیم،  
خوشحال بودم. سریع پرونده را تکمیل و به بازپرس  
تحویل دادم.

با توجه به منجر کننده بودن نوع قتل و اعتراف متهمان؛  
پرونده خارج از نوبت رسیدگی و پس از سیر مراحل قانونی، حکم  
اعدام دو قاتل متجاوز در ملأ عام در کمتر از یک سال صادر شد. هنوز  
در آن شهر خدمت می کردم که زمان اجرای حکم فرا رسید.  
رنگ قاتلان در پای چوبه دار به زردچوبه می ماند. با دستور  
قاضی حکم اجرا شد تا توان جنایت سیاه خود را بدهند.

چند سال قبل در  
اداره آگاهی یکی از شهرهای دور  
از تهران خدمت می کردم که پدر و مادری  
پریشان مراجعه و اعلام کردند که پسر ۱۲ ساله شان  
از ساعتی قبل گم شده و اثری از او نیست. آنها را آرام  
کردم و خواستم توضیح دهند چه اتفاقی افتاده است.  
مرد جوان گفت امیرمحمد، پسر من ظهر از خانه خارج شد  
تا در کوچه بازی کند اما ساعتی بعد متوجه شدیم او در کوچه  
نیست. از بچه ها سوال کردیم اما کسی از او خبر نداشت. احتمال می دهم  
اتفاقی برای فرزندم افتاده باشد. ساعت ۴ بعد از ظهر بود و دو ساعتی از گم  
شدن پسر ۱۲ ساله می گذشت. برای بررسی به محله آنها رفتیم. هیچ مورد  
مشکوک نبود. مردم زیادی جمع شده بودند تا بدانند چه شده است. از آنها  
خواستیم با پلیس همکاری کنند و محله به محله را بررسی کنند شاید ردی از  
پسر بچه به دست بیاید.

خودم به اداره آمدم و موضوع را به رئیس پلیس اطلاع دادم. او گفت نظرت  
چیست که من باترس گفتم احتمالاً یک جنایت هولناک رخ  
داده است. تا صبح هیچ ردی از امیرمحمد به دست  
نیامد تا این که حدود ساعت ۱۱ صبح اهالی خبر  
دادند جنازه پسر بچه پای کوه کنار شهر پیدا  
شده است. سریع با همکاران به آنجا رفتیم و  
بازپرس ویژه قتل را هم در جریان قرار دادیم  
تا به صحنه بیاید.  
آنچه می دیدم برایم قابل باور نبود.  
پسر بچه به طرز هولناکی به قتل رسیده بود و  
چاقو و سنگ خون آلود در کنارش قرار داشت.  
همه در شوک بودیم و عصبانی. با دستور  
بازپرس قرار شد خیلی سریع جواب پزشکی  
قانونی در اختیار ما قرار گیرد تا از این جنایت  
رمزگشایی کنیم. بررسی بالینی جسد امیرمحمد آثار تعرض  
به وی را بیش از مرگ نشان می داد.

به اهالی گفتم پدر و مادر امیرمحمد را از صحنه دور کنند تا بتوانیم از محل  
کشف جسد سرنخ به دست بیاوریم و صحنه به هم نخورد. به بازپرس  
گفتم با توجه به نوع جنایت و نحوه قتل که نشان از ناتوانی قاتل یا  
قاتلان در کشتن فوری امیرمحمد دارد، ماجرا حکایت از وقوع



## خاطره جنایی

## ترش

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۳  
چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۴

تلنگر



## اعدام، پایان تیراندازی در تعمیرگاه



عامل جنایت در محله  
اوقافی های کرج که  
فیلم جنایتش در  
شبکه های اجتماعی  
جنگالی شده بود، ۱۷ ماه پس  
از قتل در زندان اعدام شد.  
رئیس کل دادگستری استان البرز  
با تشریح این پرونده گفت: تیر ماه  
۱۴۰۱ پرونده ای در دادسرای  
عمومی و انقلاب کرج تشکیل  
شد که نشان می داد در محله

اوقافی های کرج که محله ای نسبتاً شلوغ و پرتددی  
است، یک خودروی ال ۹۰ مقابل یک تعمیرگاه خودرو  
توقف می کند و سه نفر از آن پیاده می شوند. دو نفرشان  
مجهز به سلاح گرم از نوع وینچستر و یک نفر مجهز  
به قمه بود که بلافاصله شروع به حمله و تیراندازی به  
حاضران در تعمیرگاه که هفت نفر بودند، کردند. در این  
درگیری تعدادی زخمی شدند و یک نفر از حاضران به  
ضرب گلوله به قتل رسید. تحقیقات نشان داد چند  
روز قبل، مقتول با برادرزاده دو نفر از مهاجران درگیر  
شده و آنها را تهدید کرده است که در پی آن قاتل همراه  
یکی از برادران خود و چند نفر از دوستان شان تصمیم  
می گیرند برای انتقام سراغ مقتول بروند لذا پس از  
تهیه سلاح اقدام به درگیری و قتل می کنند. بر اساس  
تحقیقات در این محله، سه نفر در صحنه درگیری و  
دو نفر هم داخل خودرو بوده اند. قاتل اصلی به اتهام  
محاربه و قتل عمد تحت تعقیب قرار گرفت و پس از  
گذشت حدود دو ماه از متواری شدن، دستگیر شد.  
همچنین برادر وی که او نیز مسلح بوده پس از این  
حادثه و در حین تعقیب و گریز در درگیری مسلحانه  
با مأموران کشته می شود.

متهم اصلی در این پرونده علاوه بر قتل عمد به اتهام  
محاربه نیز تحت تعقیب قرار گرفت. در پرونده مربوط  
به محاربه از سوی دادگاه انقلاب استان البرز برای  
متهم مجازات اعدام صادر شد و با تأیید رأی صادره  
در دیوان عالی کشور و طی تشریفات قانونی، حکم اعدام  
در ندامتگاه مرکزی کرج به اجرا درآمد. اولیای دم به  
شرط اجرای مجازات اعدام محاربه از اجرای مجازات  
آتی قصاص صرف نظر کردند و به همین دلیل حکم  
اعدام میلاد به اتهام محاربه اجرا شد. در این پرونده ها  
هیچ گونه مماشات و مسامحه در قبال متهمان وجود  
ندارد و ضمن در بازداشت بودن متهمان تا زمان صدور  
و اجرای حکم، این پرونده ها با دقت و سرعت رسیدگی  
و اشد مجازات قانونی برای مرتکبین تعیین و به اجرا  
گذاشته می شود.